

یحیی تعمیددهنده

¹ابتدای انجیل عیسی مسیح، پسر خدا،² چنانکه در اشعیا نبی مکتوب است: اینک، رسول خود را پیش روی تو می‌فرستم تا راه تو را پیش تو مهیا سازد.³ صدای ندا کننده‌ای در بیابان: که راه خداوند را مهیا سازید و طُرُق او را راست نمایید!⁴ یحیی تعمیددهنده در بیابان ظاهر شد و بجهت آمرزش گناهان به تعمید توبه موعظه می‌نمود.⁵ و تمامی مرز و بوم یهودیه و جمیع سکنه اورشلیم نزد وی بیرون شدند و به گناهان خود معترف گردیده، در رود اُردن از او تعمید می‌یافتند.⁶ و یحیی را لباس از پشم شتر و کمر بند چرمی بر کمر می‌بود و خوراک وی از ملخ و عسل بَرّی.⁷ و موعظه می‌کرد و می‌گفت که: بعد از من کسی توانا تر از من می‌آید که لایق آن نیستم که خم شده، دوال نعلین او را باز کنم.⁸ من شما را به آب تعمید دادم، لیکن او شما را به روح القدس تعمید خواهد داد.

تعمید و آزمایشهای سه گانه عیسی

⁹و واقع شد در آن ایام که عیسی از ناصره جلیل آمده در اُردن از یحیی تعمید یافت.¹⁰ و چون از آب برآمد، در ساعت آسمان را شکافته دید و روح را که مانند کبوتری بروی نازل می‌شود.¹¹ و آوازی از آسمان در رسید که: تو پسر حبیب من هستی که از تو خشنودم.¹² پس بی‌درنگ روح وی را به بیابان می‌برد.¹³ و مدت چهل روز در صحرا بود و شیطان او را تجربه می‌کرد و با وحوش بسر می‌برد و فرشتگان او را پرستاری می‌نمودند.

شروع کار عیسی و دعوت چهار ماهیگیر

¹⁴و بعد از گرفتاری یحیی، عیسی به جلیل آمده، به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده،¹⁵ می‌گفت: وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید.

¹⁶و چون به کناره دریای جلیل می‌گشت، شمعون و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می‌اندازند زیرا که صیاد بودند.¹⁷ عیسی ایشان را گفت: از عقب من آید که شما را صیاد مردم گردانم.¹⁸ بی تأمل دامهای خود را گذارده، از پی او روانه شدند.¹⁹ و از آنجا قدری پیشتر رفته، یعقوب بن زیدی و برادرش یوحنا را دید که در کشتی دامهای خود را اصلاح

یوحنا المعمدان

¹بَدْءُ انْجِيلِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ ابْنِ اللَّهِ.² كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي الْأَنْبِيَاءِ: "هَا أَنَا أُرْسِلُ أَمَامَ وَجْهِكَ مَلَائِكَةُ الَّذِينَ يَهَيِّئُ طَرِيقَكَ قُدَّامَكَ، صَوْتُ صَارِخٍ فِي الْبَرِّيَّةِ: أَعِدُّوا طَرِيقَ الرَّبِّ، اصْنَعُوا سُبُلَهُ مُسْتَقِيمَةً."³ كَانُ يُوْحَنَّا بَعْمَدُ فِي الْبَرِّيَّةِ وَيَكْرُرُ بِمَعْمُودِيَّةِ التَّوْبَةِ لِمَعْهَرَةِ الْخَطَايَا.⁴ وَخَرَجَ إِلَيْهِ جَمِيعُ كُورَةِ الْيَهُودِيَّةِ وَأَهْلُ أُورُشَلِيمَ وَاعْتَمَدُوا جَمِيعُهُمْ مِنْهُ فِي تَهَرِ الْأَرْدُنِّ مُعْتَرِفِينَ بِخَطَايَاهُمْ.⁵ وَكَانَ يُوْحَنَّا يَلْبَسُ وَبَرِ الْإِبِلِ وَمِنْطَقَةً مِنْ جِلْدٍ عَلَى حَقْوِيهِ وَتَأْكُلُ جَرَادًا وَعَسَلًا يَبْرِيًا.⁶ وَكَانَ يَكْرُرُ قَائِلًا: يَأْتِي بَعْدِي مَنْ هُوَ أَقْوَى مِنِّي الَّذِي لَسْتُ أَهْلًا أَنْ أَتَحِيَّ وَأَحُلَّ سُبُورَ جِدَائِهِ.⁷ أَنَا عَمَدْتُكُمْ بِالْمَاءِ وَأَمَّا هُوَ فَسَيَعْمَدُكُمْ بِالرُّوحِ الْقُدُسِ.

معمودیه و تجربه یسوع

⁸وَفِي تِلْكَ الْأَيَّامِ جَاءَ يَسُوعُ مِنْ نَاصِرَةِ الْجَلِيلِ وَاعْتَمَدَ مِنْ يُوْحَنَّا فِي الْأَرْدُنِّ.⁹ وَلِلْوَقْتِ وَهُوَ صَاعِدٌ مِنَ الْمَاءِ رَأَى السَّمَاوَاتِ قَدْ انْشَقَّتْ وَالرُّوحُ مِثْلُ حَمَامَةٍ تَازِلًا عَلَيْهِ.¹⁰ وَكَانَ صَوْتُ مِنَ السَّمَاوَاتِ: أَنْتَ ابْنِي الْحَبِيبُ الَّذِي بِهِ سُرَرْتُ.

¹¹وَلِلْوَقْتِ أَخْرَجَهُ الرُّوحُ إِلَى الْبَرِّيَّةِ.¹² وَكَانَ هُنَاكَ فِي الْبَرِّيَّةِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يُجَرَّبُ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَكَانَ مَعَ الْوُحُوشِ، وَصَارَتْ الْمَلَائِكَةُ تَخْدُمُهُ.

یسوع ببدأ خدمته و بختار تلامیذه الأول

¹³وَبَعْدَ مَا أَسْلِمَ يُوْحَنَّا جَاءَ يَسُوعُ إِلَى الْجَلِيلِ يَكْرُرُ بِبَشَارَةِ مَلَكُوتِ اللَّهِ.¹⁴ وَيَقُولُ: قَدْ كَمَلَ الزَّمَانُ وَأَقْتَرَبَ مَلَكُوتُ اللَّهِ، فَتَوْبُوا وَآمِنُوا بِالْإِنْجِيلِ.

¹⁵وَفِيمَا هُوَ يَمْشِي عِنْدَ بَحْرِ الْجَلِيلِ أَبْصَرَ سَمْعَانَ وَأَنْدَرَاوَسَ، أَحَاهُ، يُلْقِيَانِ سَبَكَةً فِي الْبَحْرِ، فَأَيَّاهُمَا كَانَا صَيَادَيْنِ.¹⁶ فَقَالَ لَهُمَا يَسُوعُ: هَلُمَّ وَرَائِي، فَأَجْعَلُكُمْمَا تَصِيرَانِ صَيَادِي النَّاسِ.¹⁷ فَلِلْوَقْتِ تَرَكَا شِبَاكَهُمَا وَتَبِعَاهُ.¹⁸ ثُمَّ اجْتَاَزَ مِنْ هُنَاكَ قَلِيلًا فَرَأَى يَعْقُوبَ بْنَ زَبْدِي وَيُوْحَنَّا، أَحَاهُ، وَهُمَا فِي السَّفِينَةِ يُصْلِحَانِ الشُّبَاكَ.¹⁹ فَدَعَاهُمَا لِلْوَقْتِ، فَتَرَكَا أَبَاهُمَا زَبْدِي فِي السَّفِينَةِ مَعَ الْأَجْرَى وَدَهَبَا وَرَاءَهُ.

یسوع بشغی انسان فیه روح نجس

²⁰ثُمَّ دَخَلُوا كَفَرْتَاحُومَ وَلِلْوَقْتِ دَخَلَ الْمَجْمَعُ فِي السَّبْتِ وَصَارَ يُعَلِّمُ.²¹ فَتَبْهَتُوا مِنْ تَعْلِيمِهِ لِأَنَّهُ كَانَ يَكَلِّمُهُمْ كَمَنْ لَهُ سُلْطَانٌ وَلَيْسَ كَالْكَتَبَةِ.²² وَكَانَ فِي مَجْمَعِهِمْ رَجُلٌ بِهِ

می‌کنند.²⁰ در حال ایشان را دعوت نمود. پس پدر خود زیدی را با مزدوران در کشتی گذارده، از عقب وی روانه شدند.

عیسی شفا می‌کند مرد دیوانه را

²¹ و چون وارد کفرناحوم شدند، بیتأمل در روز سبت به کنیسه درآمده، به تعلیم دادن شروع کرد،²² به قسمی که از تعلیم وی حیران شدند، زیرا که ایشان را مقتدرانه تعلیم می‌داد نه مانند کاتبان.²³ و در کنیسه ایشان شخصی بود که روح پلید داشت. ناگاه صیحه زده،²⁴ گفت: ای عیسی ناصری، ما را با تو چه کار است؟ آیا برای هلاک کردن ما آمدی؟ تو را می‌شناسم کیستی: ای قدوس خدا!²⁵ عیسی به وی نهیب داده، گفت: خاموش شو و از او درآی!²⁶ در ساعت آن روح خبیث او را مصروع نمود و به آواز بلند صدا زده، از او بیرون آمد.²⁷ و همه متعجب شدند، به حدی که از همدیگر سؤال کرده، گفتند: این چیست؟ و این چه تعلیم تازه است که؟ ارواح پلید را نیز با قدرت امر می‌کند و اطاعتش می‌نمایند.²⁸ و اسم او فوراً در تمامی مرز و بوم جلیل شهرت یافت.

عیسی شفا می‌کند مادر زن شمعون را

²⁹ و از کنیسه بیرون آمده، فوراً با یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و اندریاس درآمدند.³⁰ و مادر زن شمعون تب کرده، خوابیده بود. در ساعت وی را از حالت او خبر دادند.³¹ پس نزدیک شده، دست او را گرفته، برخیزانیدش که همان وقت تب از او زایل شد و به خدمتگزاری ایشان مشغول گشت.

³² شامگاه چون آفتاب به مغرب شد، جمیع مریضان و مجانین را پیش او آوردند.³³ و تمام شهر بر در خانه ازدحام نمودند.³⁴ و بسا کسانی را که به انواع امراض مبتلا بودند، شفا داد و دیوهای بسیاری بیرون کرده، نگذارد که دیوها حرف زنند زیرا که او را شناختند.³⁵ بامدادان قبل از صبح برخاسته، بیرون رفت و به ویرانه‌های رسیده، در آنجا به دعا مشغول شد.³⁶ و شمعون و رفقاییش در پی او شتافتند.³⁷ چون او را دریافتند، گفتند: همه تو را می‌طلبند.³⁸ بدیشان گفت: به دهات مجاور هم برویم تا در آنها نیز موعظه کنم، زیرا که بجهت این کار بیرون آمدم.³⁹ پس در تمام جلیل در کنایس ایشان وعظ می‌نمود و دیوها را اخراج

رُوحٌ نَجِسٌ، قَصَرَخَ²⁴ قَائِلًا: آم، مَا لَنَا وَلَكَ، يَا يَسُوعُ النَّاصِرِيُّ؟ أَتَيْتَ لِتُهْلِكَنَا؟ أَنَا أَعْرِفُكَ مَنْ أَنْتَ: قُدُّوسُ اللَّهِ.²⁵ فَأَثْهَرَهُ يَسُوعُ قَائِلًا: اخْرُسْ وَاخْرُجْ مِنْهُ.²⁶ قَصَرَخَهُ الرُّوحُ النَّجِسُ وَصَاحَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ وَخَرَجَ مِنْهُ.²⁷ فَتَحَبَّرُوا كُلُّهُمْ حَتَّى سَأَلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا قَائِلِينَ: مَا هَذَا؟ مَا هُوَ هَذَا التَّعْلِيمُ الْجَدِيدُ؟ لِأَنَّهُ يَسْلُطَانُ بِأَمْرٍ حَتَّى الْأَرْوَاحَ النَّجِسَةَ قُطِّعَتْهُ.²⁸ فَخَرَجَ حَبَّرُهُ لِلْوَقْتِ فِي كُلِّ الْكُورَةِ الْمُحِيطَةِ بِالْجَلِيلِ.

یسوع یسعی حماه بطرس

²⁹ وَلَمَّا خَرَجُوا مِنَ الْمَجْمَعِ جَاءُوا لِلْوَقْتِ إِلَى بَيْتِ سِمْعَانَ وَأَنْدَرَاوَسَ مَعَ يَعْقُوبَ وَيُوحَنَّا.³⁰ وَكَانَتْ حَمَاهُ سِمْعَانَ مُضْطَجِعَةً مَحْمُومَةً، فَلِلْوَقْتِ أَخْبَرُوهُ عَنْهَا.³¹ فَتَقَدَّمَ وَأَقَامَهَا مَاسِكًا يَدَيْهَا فَتَرَكَهَا الْخُمَى خَالًا وَصَارَتْ تَخْدُمُهُمْ.

یسوع یسعی و بطوف الجلیل

³² وَلَمَّا صَارَ الْمَسَاءُ إِذْ غَرَبَتِ الشَّمْسُ قَدَّمُوا إِلَيْهِ جَمِيعَ السَّقَمَاءِ وَالْمَجَانِينِ.³³ وَكَانَتْ الْمَدِينَةُ كُلُّهَا مُجْتَمِعَةً عَلَى الْبَابِ.³⁴ فَسَقَى كَثِيرِينَ كَانُوا مَرَضَى بِأَمْراضٍ مُخْتَلِفَةٍ وَأَخْرَجَ شَيْطَانِينَ كَثِيرَةً وَلَمْ يَدْعِ الشَّيَاطِينَ يَتَكَلَّمُوا لِأَنَّهُمْ عَرَفُوهُ.

³⁵ وَفِي الصُّبْحِ بَاكِراً جِدًّا قَامَ وَخَرَجَ وَمَضَى إِلَى مَوْضِعٍ خَلَاءٍ وَكَانَ يُصَلِّي هُنَاكَ.³⁶ فَتَبِعَهُ سِمْعَانُ وَالَّذِينَ مَعَهُ.³⁷ وَلَمَّا وَجَدُوهُ قَالُوا لَهُ: إِنَّ الْجَمِيعَ يَطْلُبُونَكَ.³⁸ فَقَالَ لَهُمْ: لِنَذْهَبْ إِلَى الْفَرَى الْمُخَاوِرَةِ لِأَكْرَرَ هُنَاكَ أَيْضاً لِأَنِّي لِهَذَا خَرَجْتُ.³⁹ فَكَانَ يَكْرُرُ فِي مَجَامِعِهِمْ فِي كُلِّ الْجَلِيلِ وَيُخْرِجُ الشَّيَاطِينَ.

یسوع یسعی ابرص

⁴⁰ فَاتَى إِلَيْهِ أَبْرَصٌ يَطْلُبُ إِلَيْهِ جَانِبًا وَقَائِلًا لَهُ: إِنَّ أَرَدْتُ تَقْدِمُ أَنْ تُطَهِّرَنِي. فَتَحَنَّنَ يَسُوعُ وَمَدَّ يَدَهُ وَلَمَسَهُ وَقَالَ لَهُ: أَرِيدُ قَاطِطُوكَ. فَلِلْوَقْتِ وَهُوَ يَتَكَلَّمُ ذَهَبَ عَنْهُ الْبَرَصُ وَطَهَّرَ.⁴¹ فَأَثْهَرَهُ وَأَرْسَلَهُ لِلْوَقْتِ⁴² وَقَالَ لَهُ: انْظُرْ، لَا تَقُلْ لَأَحَدٍ شَيْئاً بَلِ اذْهَبْ أَرْتَفِسْكَ لِلْكَاهِنِ وَقَدِّمْ عَنْ طَهْرِكَ مَا أَمَرَ بِهِ مُوسَى بِشَهَادَةٍ لَهُمْ.⁴³ وَأَمَّا هُوَ فَخَرَجَ وَابْتَدَأَ يُبَادِي كَثِيراً وَيُذِيعُ الْخَبَرَ حَتَّى لَمْ يَعُدْ يَقْدِرُ أَنْ يَدْخُلَ مَدِينَةً طَاهِراً بَلْ كَانَ خَارِجاً فِي مَوَاضِعَ خَالِيَةٍ، وَكَانُوا يَأْتُونَ إِلَيْهِ مِنْ كُلِّ تَاجِيَةٍ.

می‌کرد.

عیسی شفا می‌کند جزامی را

⁴⁰ و جزامی پیش وی آمده، استدعا کرد و زانو زده، بدو گفت: اگر بخواهی، می‌توانی مرا طاهر سازی! ⁴¹ عیسی ترجم نموده، دست خود را دراز کرد و او را لمس نموده، گفت: می‌خواهم. طاهر شو! ⁴² و چون سخن گفت، فی‌الفور برص از او زایل شده، پاک گشت. ⁴³ و او را قدغن کرد و فوراً مرخص فرموده، ⁴⁴ گفت: زنهار کسی را خبر مده، بلکه رفته خود را به کاهن بنما و آنچه موسی فرموده، بجهت تطهیر خود بگذران تا برای ایشان شهادتی بشود. ⁴⁵ لیکن او بیرون رفته، به موعظه نمودن و شهرت دادن این امر شروع کرد، بقسمی که بعد از آن او نتوانست آشکارا به شهر درآید، بلکه در ویرانه‌های بیرون بسر می‌برد و مردم از همه اطراف نزد وی می‌آمدند.